



روز دین اوست صفر طابخر آوریل
 ۲۲
 همه از عشق و زهد گامی ^{طابخر}
 دست معشوقم جولای ^{طابخر}

یکشنبه ۲۳
 پرسی آمد در راه پسر کیهان
 دلمی بگفت زهد گامی ^{طابخر}

دوشنبه ۲۴
 دلم ز بزمین سلمان ^{طابخر}
 دل بر جهان بستند ^{طابخر}
 فرقی تنی که جاهل ^{طابخر}
 با طهرستان بخورد ^{طابخر}

سه شنبه ۲۵
 ولادت حضرت امام موسی کاظم (ع)

این یسین
 گنج عزالت هر دو دهفانی ^{طابخر}
 تا بیداری کاخچه ^{طابخر}
 حسن گوگرد ^{طابخر}
 زود بر خاک ^{طابخر}
 نگاه قصر ^{طابخر}
 هر چه ^{طابخر}
 هر آنکه ^{طابخر}
 هر که ^{طابخر}
 دلم ^{طابخر}
 در ^{طابخر}
 در ^{طابخر}

تاج از نگاه افسانه

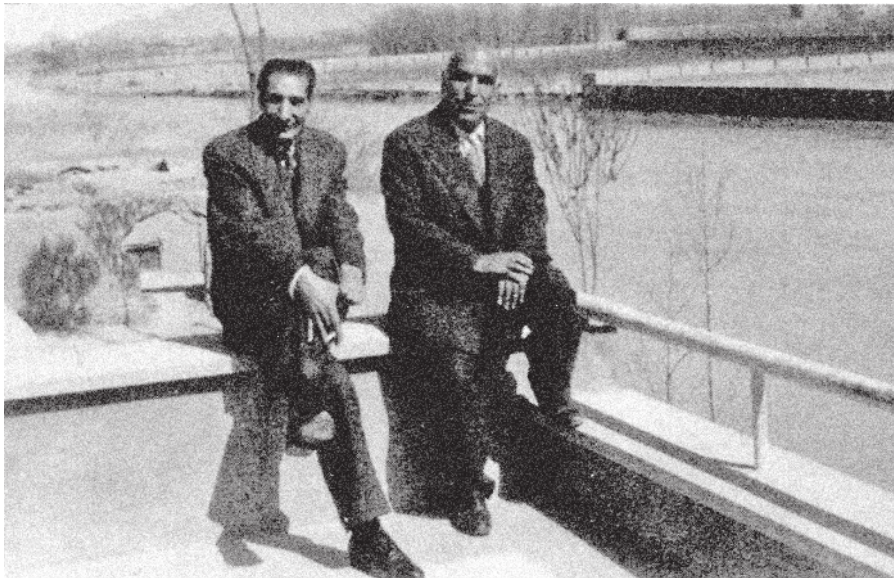
اسماعیل ادیب خوانساری

خواننده

متن ذیل سخنرانی منتشر نشده‌ای است از مرحوم استاد ادیب خوانساری که در سال ۱۳۵۵ از رادیو ایران بخش گردیده است. موضوع این سخنرانی «جلال تاج اصفهانی» است.

و اما راجع به آقای تاج؛ آقای تاج اصفهانی که فعلاً معاصر هستند، پسر مرحوم نیم‌تاج بودند که مرحوم نیم‌تاج روضه می‌خواند و اهل علم، باسواد و مرد بسیار شریفی بود. بنده، موقعی که در اصفهان بودم، با مرحوم تاج آشنا شدم و ایشان به من گفتند: آقا من یک پسری دارم به نام جلال و جلال خیلی خوب می‌خواند و خیلی دلم می‌خواهد شما ایشان را ببینید و در آن زمان که من آقای تاج را دیدم، قدرت صدایی فوق‌العاده داشت و از حیث قدرت صدا و خواندن، ستاره عصر خودش بود. اما تاج منبر می‌رفت و روضه می‌خواند. این جانب در آن عصر به همه چیز پشت پا زده بودم و می‌گفتم موسیقی را باید از راه دیگری ترویج کرد نه از راه منبر و روضه و چیزهای دیگری و این بود که با یک عده‌ای در اصفهان، مخصوصاً عده‌ای از خوانین، معاشر بودم و تاج وقتی دید ادیب این کار





تاج و ادیب

تاج تحریرهای مشکلی می‌داد که کار همه کس نبود. صدای غرایب داشت و صدایش بسیار جذاب بود. خوب خواند و تا حالا هم که شاید سنش یکی دو سه سال از من بزرگتر است - البته اگر به ایشان برنخورد- خوب می‌خواند، چون وقتی من ایشان را دیدم، دو یا سه سال بزرگتر از من بود و الآن هم اغلب تلفنی مذاکره می‌کنیم و تهران هم که تشریف می‌آورند، منزل ما می‌آیند و می‌روند. تاج را من خیلی دوست دارم. خیلی خوب خواند. یکی از خواننده‌های عصر ما بود که دیگران از او استفاده کردند. مکتبی بود. مخصوصاً برای خواننده‌های اصفهان و الآن خواننده‌هایی که در اصفهان می‌خوانند، می‌گویند: «سبک تاج».

وقتی صفحات و نوارهای بنده در تهران پخش می‌شد، یک عده‌ای از روی مکتب من مشق می‌کردند. باوجود اینکه نوارها و صفحات دو سبک بود؛ یکی سبک ادیب در تهران و دیگری سبک آقای تاج در اصفهان. و واقعاً خداوند به این مرد عمر بدهد و باید از ایشان واقعاً قدردانی کرد. مردی بود که به موسیقی ایران خدمت کرد.

را کرده است او هم منبر را کنار گذاشت و در سبک و سیاق خواننده‌ها افتاد که اصلاً دیگر ردیف بخواند و در جلسات حاضر شود و با ساز بخواند و چون قبلاً برای او این چیزها نبود، قدری برایش سخت بود که در مجالسی حاضر شود و با ساز بخواند چون از حیث پدری و فامیلی برایش مشکل بود.

واقعاً من و تاج، شبها با هم زندگی کردیم و یک مسافرت هم به اراک کردیم و زندگی من و تاج با هم گذشت. مخصوصاً من و تاج گاهی از هم سؤال می‌پرسیدیم. مثلاً من می‌پرسیدم: آقای تاج نقص خواندن من در کجاست؟ کجای خواندن من نقص دارد؟ شما به من بگویید، چون شما می‌فهمید. و همچنین تاج از من می‌پرسید که آقای ادیب، سبک خواندن من چگونه است؟ کجای خواندن من غلط است؟ ما اصلاً به همدیگر یاد می‌دادیم و ایراد می‌گرفتیم که مثلاً آقای تاج تو اگر این شعر را این‌طور بخوانی، بهتر است و آقای تاج هم به من یاد می‌داد، ولی واقعاً در عصری که تاج می‌خواند، خواننده‌ای نبود که بتواند در مقابل ایشان عرض اندام کند و این، عین حقیقت است که عرض می‌کنم.

ما اصلاً به همدیگر یاد می‌دادیم و ایراد می‌گرفتیم که مثلاً آقای تاج تو اگر این شعر را این‌طور بخوانی، بهتر است و آقای تاج هم به من یاد می‌داد، ولی واقعاً در عصری که تاج می‌خواند، خواننده‌ای نبود که بتواند در مقابل ایشان عرض اندام کند و این، عین حقیقت است که عرض می‌کنم

استاد قدسی: در حفظ اسرار دوستان بسیار امین بود. اغلب، خانه دوستان فقیر را بر کاخ ثروتمندان شهر و مهمانی‌های پر تکلف ترجیح می‌داد. مردم را دوست می‌داشت و در بین مردم بسیار محبوب بود. سادگی و ساده دلی‌اش حد نداشت. وقتی، یکی از رندان اصفهانی او را فریب داده، پولهایش را گرفته، حمام خرابه‌ای غیرقابل تعمیر را در تبریز به او فروخته بود. در احیای حمام که هیچ‌گاه از لحاظ مادی سودی نکرد، رنج‌ها کشید و خون دل‌ها خورد و سرانجام آن را رها کرد و به اصفهان بازگشت.